

# میلاد لارستان

در آنچه خداوند بر تو بخشیده است، سرای آخرت را بجوی و مهم خود را از دنیا فراموش مکن و همانگونه که خدا به تو نیکی کرده است نیکی کن و هرگز فساد در زمین معنا که خدا بندگان را دوست ندارد.



روزنامه میلاد لارستان - سال بیست و پنجم  
مهر ماه ۱۳۹۶ - محرم الحرام ۱۴۳۶ - ۱۴ آذر ۲۰۱۷  
شماره ۱۱۱۲ - شماره ۹۶ / ۷ / ۱۵  
تک شماره ۱۰۰۰ تومان - در لارستان ۷۰۰ تومان

۲ معرفي شهرداران ۷ شهر لارستان

۲ شهرداری‌ها تابلو توانمند دولت

۴ چه زمانی با پدیده تکدی گری در شهر لار برخورد می‌شود؟

۱ مسوولان موجب دلسردی خیرین نشوند

## مسئولین پاسخگو باشند

# چرا فعالیت راهسازی‌های لارستان تعطیل است



عاشورا عامل بیداری و بصیرت (قسمت آخر)

در شماره گذشته از ابوسفیان بن حرب که به ظاهر خود را دیندار جلوه می‌داد ولی در حقیقت بی‌دین بود بحث کردیم در این شماره دو نمونه دیگر ذکر می‌کنیم.

۱- ابن ابی‌الحدید در ج ۲ شرح نهج‌البلاغه جریانی از بی‌اعتقادی معاویه به پیامبر خدا ذکر می‌کند که علامه مرتضی عسکری عین ماجرا را در ج ۱۶ نقش‌نامه در احیاء دین ص ۷۱-۶۷ آورده است.

همین نویسنده اشعار ملامت‌آمیز معاویه به پدرش در اینکه اسلام را نپذیرد، از شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید ذکر کرده است. (نقش‌نامه در حیاء دین ج ۱۶ ص ۶۰)

۲- داستان چوب خیزران و اشاره به سر بریده امام حسین(ع) و خواندن اشعار زیر توسط یزید نشان بارز از بی‌اعتقادی و بی‌دینی اوست.

لَيْتَ هَاشِمٍ بِالْمَلِكِ فَلَا  
خَيْرَ جَاءَ وَلَا وَحْيَ نَزَلَ  
لَسْتُ مِنْ خِنْدَفٍ إِنَّمِ اتَّقَمُ  
مِنْ بَنِي أَحْمَدَ مَا كَانَ فَعَلَ  
قَدْ قَتَلْنَا الْقُرْمُ مِنْ سَادَاتِهِمْ  
وَ عَدَلْنَا مَبِلَ بَدْرَ فَاعْتَدَلَ

بنی‌هاشم با حکومت بازی کردند نه خبری آمده بود و نه وحی نازل شده بود یزید از جند و آرایش نباشد چنانچه از بنی‌احمد (ال پیامبر) انتقام کاری را که پیامبر در روز بدر نگیرد، ما بزرگان و سادات ایشان را کشتیم، و ترازوی روز بدر که (عینه و شبیه و حظه) کشته شدند را برابر کردیم و سر به سر شدیم.

ادامه در همین صفحه



۲ خدمت خالصانه به مردم، موجب خوش بینی به نظام

۲ تشریح برنامه های اشتغالی توسط رییس اداره کار لارستان

۳ رژیم صهیونیستی به دنبال ایجاد «اسرائیل جدید» در منطقه

۴ چرا خودروهای دوگانه سوز در لارستان معاینه فنی نمی‌شوند؟

۱ کسب ۱۲ مدال در مسابقات جهانی توسط مخترعان ایرانی

## ۵ مساله مورد بحث در دیدار جعفرپور و وزیر آموزش و پرورش

فرهنگی از ایجاد تغییرات توسط وزارت آموزش و پرورش ۳- پیگیری تعطیلی یکی از مدارس ایران در کشور امارات جهت بازگشایی مجدد آن ۴- مذاکره پیرامون قول دکتر فانی وزیر سابق آموزش و پرورش در سفر به لارستان مبنی بر موافقت با دایر کردن دانشگاه فرهنگیان در لارستان، که دکتر بطحایی وعده دادند، مجدداً بررسی نمایند.

۵- درخواست تبدیل نمایندگی آموزش و پرورش بخش بنارویه به اداره آموزش و پرورش بنارویه که وزیر دستور بررسی سوابق و مستندات را دادند.



۲- حمایت رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی و عضو شورای عالی انقلاب

به گزارش میلاد لارستان به نقل از دفتر نماینده مردم، جعفرپور رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی ضمن دیدار با بطحایی وزیر آموزش و پرورش، وضعیت آموزشی وزارتخانه در سطح ملی و بررسی وضعیت آموزش و پرورش در حوزه انتخابیه لارستان، خنج و گراش را با وزیر بررسی نمود.

مورد بحث به شرح زیر می باشد: ۱- ارائه پیشنهادهایی جهت اصلاح سیستم آموزشی کشور براساس استانداردهای جهانی و کاربردی کردن آموزش و پرورش از محفوظات محض

## ادامه از همین صفحه

عاشورا عامل بیداری و بصیرت (قسمت آخر)

می‌بینیم اهل بیت پیامبر با چه کسانی روبرو بودند و چه مشکلاتی را سپری نمودند و چه رنج‌هایی متحمل شدند و از جهالت جامعه چه ضرباتی خوردند اکنون نیز گروه‌هایی از حق بی‌خبر در انکار عظمت جریان عاشورا چه توجیهاتی می‌تراشند و چه شبهاتی ایجاد می‌کنند که بیداری و بصیرت عمومی و آگاهی خواص و هوشیاری آنان در بیدار نمودن اجتماع برای جلوگیری از شیطنتهای شیطان صفتان ضرورتی است انکارناپذیر.

در این صورت است که همه مسلمین حول محور رسالت با دوستی و مودت اهلیت می‌توانند دشمن اسلام و مسلمین را از خویش دور ساخته و فریب رویه‌صفتان حیل‌گر را نخورند و با حفظ عاشورا اجازه تحقق عاشورای دیگری ندهند.

**فروش**  
**هایپر مارکت فعال در شیراز**  
یک باب وامد تجاری هایپر مارکت ۲۰۰ متری فعال با سابقه ۱۰ ساله واقع در ممدوده پاسداران شیراز به فروش میرسد  
۰۹۱۷۱۱۲۵۸۹۳

**آگهی استخدام**  
**گروه صنعتی ویتانا**  
**(واحد لار) استخدام می‌کند.**  
♦ مسئول فنی / کنترل کیفی - خانم، آقا - حداقل ۲ سال سابقه مواد غذایی - حداکثر سن ۳۵ سال - کارشناس صنایع غذایی  
♦ پرسنل خط تولید - خانم، آقا - حداکثر سن ۳۰ سال - حداقل دیپلم - آقایان کارت پایان خدمت الزامی است.  
تلفن: ۰۸۰۰ ۵۲۳۴ - ۰۷۱  
آدرس: لار - شهرک صنعتی خور - شرکت ویتانا

مشکلات شهری اجتماعی، فرهنگی و...  
با سامانه مشکلات مردمی  
«میلاد لارستان»  
۵۰۰۰۱۰۰۰۸۸

روزنامه

# میلاد لارستان

کاملترین بانک اطلاعاتی فرهنگ عامیانه لارستان بزرگ

جدیدترین خبرها و تحلیل های لارستان و جنوب کشور

WWW.MILADELARESTAN.IR  
WWW.MLDL.IR

http://www.











# اندیشه

کیاست چو انسان بود... نهاده

به دوران تو اندک نیکو نهاد  
هر آن کس بود خوب و با قرو باجه

مقامت دنیا به نزدش چو گاه  
به تمیز پیدا کند ز جابه

ز خلعت ریایت کند، پوجماه  
هر آنی بد است خورد راقیه

به فکر خود انگاشت هر کس نمیه  
نباشد خپین را حکا کاش منید

ز اندیشه پروردن است او بعید  
سز او را و دانا بود آن رفیق

ز ابداع، آموزدت یک طریق  
به برداشت از زمین بود بس عمیق

به فکربنده اندیشه را قابی  
و آتی دست است که تو طالبی

فقیه و فکور آن بود در روش  
تیرن به او بدید و او دانش

هر آن چیز کاری تو آن دروی  
که حنظل بهاری تلخی بری

تو گر میکشکاری اندر زمین  
ز شیرینی اش شادمانه زمین

بدان فکر و ذکر آن دمی است بها  
به پیش سازای تو خاسر را

نکو طالب اندیشه، آنی بود  
که اهداف او بزم الهی بود



علی اصغر و ارستان لار

# پیش از آخرین اذنان

دلش مسجدی می خواست. با گنبدی فیروزه ای و مناره ای نه خیلی بلند و پیرمردی که هر صبح و هر ظهر و هر شب بر بالای آن الله اکبر بگوید.  
دلش یک حوض کوچک لاجوردی می خواست و شبستانی که گوشه گوشه اش مهر و تسبیح و چادر نماز است.  
دلش هوای محله ای قدیمی را کرده بود. با پیروزن هایی ساده و مهربان که منتظر غروب اند و بی تاب حی علی الصلاة. اما محله شان مسجد نداشت...  
فرشته ها که خیال نازک و آرزوی قشنگش را می دیدند، به او گفتند: حالا که مسجدی نیست، خودت مسجدی بساز.  
او خندید و گفت: چه مجال زیبایی، اما من که چیزی ندارم. نه زمینی دارم و نه توانی و نه ساختن بلد.  
فرشته ها گفتند: این مسجد از جنسی دیگر است. مصالحش را تو فراهم کن. ما مسجدت را می سازیم، اما او تنها آهی کشید.  
و نمی دانست هر بار که آهی می کشد، هر بار که دعایی می کند، هر بار که خدا را زمزمه می کند. هر بار که قطره اشکی از گوشه چشمش می چکد، آجری بر آجری گذاشته می شود. آجر همان مسجدی که او آرزویش را داشت.  
و چنین شد که آرام آرام با کلمه، با ذکر،



پيامبري از كنار خانه ما ر د شد

# شکلی

پادشاهی دیدکه خدمتکاری بسیار شاد است ، از او علت شاد بودنش را پرسید. خدمتکار، گفت: قربان همسر و فرزندی دارم و غذایی برای خوردن و لباسی برای پوشیدن و بدین سبب من راضی و شادم. پادشاه موضوع را به وزیر گفت. وزیر هم گفت: قربان چون او عضو گروه ۹۹ نیست بدان جهت شاد است، پادشاه پرسید گروه ۹۹ دیگر چیست؟ وزیر گفت : قربان یک کیسه برنج را با ۹۹ سکه طلا جلو خانه وی قرار دهید و چنین هم شد. خدمتکار وقتی به خانه برگشت با دیدن کیسه و سکه ها بسیار شاد شد و شروع به شمردن کرد، ۹۹ سکه ؟ و بارها شمرد و تعجب کرد که چرا ۱۰۰ تا نیست، همه جا را زیر و رو کرد ولی اثری از یک

# بحث زبانه

وقتی که ابر بر تو ببارد نخاله را جدی بگیر مشکل و بحث زبانه را این خانه نیست، مدرسه و شهر موش هاست ما داده ایم فرصت این استحاله را در ذهن برگ، آهن و سیمان زبانه اند آتش زدند جنگل در هم میچاله را تب کرده شهر در نفس گسید جوی ها دکت کجاست تا بنویسد رساله را؟! دارد اسید می چکد از پلک های شهر تُف کرده ابر بر سر عالم تُقاله را گل های شهر کاغذی و واژگونه اند باران کجاست تا بدمد دشت لاله را قمری به دود خو نگرفته، شنیده ام دیگر نخواند نغمه ی پر کن پیاله را با یک نگاه گرچه شدم متهم ولی از ما گرفت چشم تو حق الوکاله را شاعر، زکاتِ شعر تو وقتی سرودن است باید نوشت مطلب و شعر و مقاله را مایلدنی ست ماست به هر جا هر چه هست باید کشید یکسره انواع ماله را گاهی کلام، کوه و تلی از زبانه است بر من ببخش بار دگر این اطاله را

راشد انصاری (خالو راشد)

کاسه زهر  
کودکی پیش خیاطی شاگردی می کرد روزی از روزها خیاط کاسه ای عسل به دکان آورد و برای اینکه کودک به عسل دست نزنند به او گفت : در این کاسه زهر است ، مراقب باش که از آن نخوری  
خیاط دکان را ترک کرد و کودک مقداری پارچه فروخت و مقداری نان گرفت و تمام عسل را خورد ، وقتی خیاط برگشت سراغ پارچه را گرفت ، کودک گفت اگر قول بدهی مرا نرنی به تو راست خواهیم گفت  
کودک گفت : من غفلت و نادانی کردم و دزد پارچه را دزدیدم و از ترس اینکه مرا بزنی کاسه زهر را خوردم تا بمیرم ولی تا حالا زنده مانده ام ، حالا دیگر خود دانی



راشد انصاری (خالو راشد)



# ای حافظ

سخن تو همچون ابدیت بزرگ است،

زیرا آن را آغاز و انجامی نیست.

کلام تو همچون گنبد آسمان، تنها به خود وابسته است

و میان نیمه ی غزل تو با مطلع و مقطعش فرق نمی توان گذاشت،

زیرا همه ی آن در حد جمال و کمال است...!

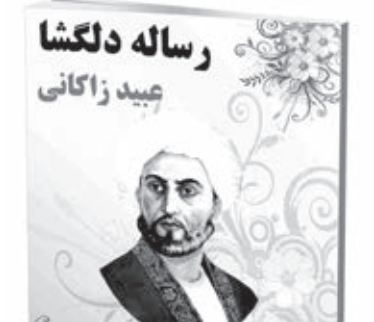
... اگر هم دنیا به سر آید، ای حافظ آسمانی، آرزو دارم که

تنها با تو و در کنار تو باشم و چون برادری، هم در شادی و

هم در غمت شرکت کنم. همراه تو باده نوشم و چون تو عشق

ورزم، زیرا این افتخار زندگی من و مایه ی حیات من است...!

(از بخش حافظ نامه)  
دیوان شرقی  
یوهان ولفگانگ گوته  
مترجم: شجاع الدین شفا



برگرفته از: رساله دلگشا عبید زاکانی

# اصطلاحات و مکالمات به زبان انگلیسی

Who cares if they win or lose. برد و باخت او نا اصلا مهم نیست.

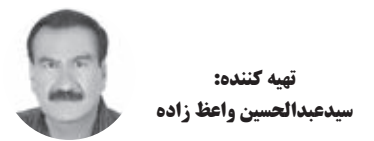
It's no big deal if we dont go tonight. خیلی مهم نیست که امشب برم یا نه.

I didn't know that you know my uncle. What a small world. چه شانسی(چه تصادفی) اصلا نمی دانتونم که عموی مرا میشناختی،چه دنیای کوچکی.

Im not sure why she is upset, whats going on. واقعا نمی دونم چرا ناراحته؟چی شده،(چه اتفاقی افتاده)

A cold drink sounds great, now you're talking; موافقم، به نوشیدنی خنک به نظر عالی میاد.

You food is coming right up. غذاتون داره آماده میشه.



تهیه کننده: سید عبدالحسین واعظ زاده

# برای یک دستمال، قیصریه ای را به آتش می زند

نشود، بهترین کار آن است که دکان را به آتش بکشد تا این چنین تمام پارچه ها بسوزند و دیگر مدرکی از جرمی که انجام داده است نماند ، این چنین پسر یک گل آتش را در بستوی مغازه در کنار پارچه ها گذاشته و خود درب مغازه را بسته و به منزل می رود.  
باری آتش زبانه کشیده و اول دکان ایریشم بافی و بعد تمام بازارچه و در نهایت تمام شهر قیصریه را در در کام خود فرو برده و از آن مکان زیبا جز خاکستری چیزی بر جای نمی ماند و جماعتی به خاک سیاه می نشینند . بعد از مدتی همه می فهمند که نادانی آن پسر چنین آسیب جبران ناپذیری را به همه وارد کرده است و این چنین این مثل بر سر زبان ها می افتند.  
پی نوشت: قیصریه(کایسری) شهری در ترکیه امروزی است.

جوان بی هنر بدهند.  
الفصه روزی از روزها که ایریشم باف مغازه را به دست پسر سرده بود، نامزد پسر برای دیدن او به مغازه می آید و چشم دختر دستمال زیبایی را گرفته و از پسر می خواهد که آن را به او دهد، پسر ابتدا مخالفت می کند و می گوید :«اینها که مال من نیستند که به تو بدهم.» اما دختر آنقدر اصرار می کند که در نهایت پسر می پذیرد.  
بعد از رفتن دختر از مغازه، پسر تازه متوجه می شود که چه اشتباهی کرده است و باخودش فکر می کند که مثلا اگر بگوید دستمال را فروخته ، صاحب دکان می گوید: پس پولش کو؟ و اگر بگوید: گم شده است، ایریشم باف او را تنبیه کرده و پولش را از حقوق او کم خواهد کرد.  
پسر با عقل ناقص خودش به این نتیجه می رسد که برای اینکه صاحب دکان متوجه کم شدن دستمال



کتابه از این است که شخصی برای بدست آوردن یک چیز بی ارزش و بی بها دست به کاری زند که منجر به وارد کردن خسارت و ضرر هنگفتی به دیگران شود. ریشه این مثل به یک حکایت بر می گردد که متاسفانه صحت و سقم آن مشخص نیست ، اما شنیدنش هم خالی از لطف نیست.  
آوردند که در شهر قیصریه پسری در دکان ایریشم بافی مشغول به کار میشود، این پسر بسیار کم هوش و بی استعداد بوده و خلاصه هیچ هنری نداشته و به این صفت معروف بود، تا اینکه دیگران تصمیم می گیرند، این جوان رازن بدهند، بلکه در رفتارش تغییری ایجاد شود. در نهایت خانواده ای قبول می کنند که دخترشان را به این

دانشنامه های خود را در میلاد لارستان ماندگار کنید  
۵۲۲۴۶۷۷۵  
telegram.me/miladeelarestan  
پست الکترونیکی : miladelarestan@gmail.com

اگر هفت جلد کتاب بخوانید کم کم عقاید و نظرات جدید پیدا می کنید.  
اگر هشت جلد کتاب بخوانید در مورد عقاید جدیدتان با دیگران بحث می کنید.  
اگر نه جلد کتاب بخوانید در بحث هایتان کار به مجادله می کشد.  
اگر ده جلد کتاب بخوانید کم کم یاد می گیرید که با کسانی که کمتر از ده جلد کتاب خوانده اند بحث نکنید.  
اگر صد جلد کتاب بخوانید دیگر با کسی بحث نمی کنید و سکوت پیشه می گیرید.  
اگر هزار جلد کتاب بخوانید آن وقت است که یاد گرفته اید دیگر تحت تاثیر مکتوبات قرار نگیرید و با مهربانی در کنار دیگر مردمان زندگی می کنید و اگر کمکی از دستتان بر بیاید در حق دیگران و جامعه انجام می دهید و در فرصت مناسب سراغ کتاب هزار و یکم می روید.

آیا میدانید؟  
اگر یک جلد کتاب بخوانید ممکن است به کتاب خواندن علاقه مند شوید.  
اگر دو جلد کتاب بخوانید حتما به کتاب خواندن علاقه مند می شوید.  
اگر سه جلد کتاب بخوانید به فکر فرو می روید.  
اگر چهار کتاب بخوانید در خلوت با خودتان حرف می زنید.  
اگر پنج جلد کتاب بخوانید سیاهی ها را سفید و سفیدی ها را سیاه می بینید.  
اگر شش جلد کتاب بخوانید نسبت به خیلی عقاید و نظرات بی باور می شوید و به توده های مردم و باورهایشان خشم می گیرید.

## چگونه بنویسیم

**بنویسیم:**  
میلیارد - میهمان - میلیون - ناسور - ناهار  
- نسطوری - نق نق - نفتالین - ورقلمبیدن  
- وغ وغ  
**نویسیم:**  
میلیارد - میهمان - میلیون - ناسور - نهار

## غلط ننویسیم

**محابا**  
به معنای «ملاحظه، احتیاط، پروا»  
اصل این کلمه در عربی مُحاباة است اما در فارسی از قدیم تا امروز آن را به صورت محابا به کار برده اند.  
«هرچه بوسهل مثال داد از کردار زشت در باب رفتی»  
این مرد از ده یکی کرده آمدی و بسیار مُحابا (تاریخ بیهقی)  
روشندلان زمرگ محابا نمی کنند  
خورشید را ملاحظه ای از زوال نیست (صائب)  
**منبع:** کتاب غلط ننویسیم - نویسنده: ابوالحسن نجفی

## نگین دریای عشق

و در ساحل دستان پاکت، جذر و مد امید اهدا می شود.  
از تو ممنونم تو مرا به این دنیای پر از محبت روانه ساختی، از زمانی که متولد شدم در درخت نگاهم میوه تو ثمربخش وجودم بود. تا حال که به این سن رسیدم. شهر زیبای چشمانت ذکر روح و جان من شده است.



زبانم با تسبیح نام تو، زندگی آغاز کرد. مادرم، این کلمات هر چقدر هم که معنی دار و عاشقانه باشد هیچ گاه به منزله ی وجود سرشار از معنی و مهر تو دست نمی یابند. اما باز هم با تمام وجود می نویسم.

زیبای دوران از تو ممنونم که قلب مرا مبدل به گلستانی ساختی که هر هنگام به آن می نگرم در نظرم از هر بهشت زیباتر جلوه می کند. چون دستان خدا که باغبان تمامی زیباییهاست، گل های مادر را در قلب ما کاشت و نام مادر که مقدس ترین نام هاست. همان نامی است که خداوند برای نیمی از وجود خویش گذارده است.

و در آخر از رب العشق با این قلب کوچکم، تشکر می کنم که چنین ستاره فروزانی را به من هدیه داد.

همه افراد در عمرشان به دنبال معجزه، جادو و یا انفاق عجیبی از سوی خداوند هستند. من هم تا چندی پیش، زمانی که بر فراز دره ترس، و در بیابان قلب های سنگی بودم، چنین احساسی داشتم. یعنی بی آنکه توجه خود را، به چیزی که مرا آرام می سازد جلب کنم، در جاده ای که آن را با مصالح بی هدفی ساخته بودم، تقلا برای زنده ماندن داشتم. اما کمی که گذشت، عشقی را درک کردم که از کودکی مرا در دامان خویش پرورش می داد.

آن نگین انگشتی که از زمان تولد تا به حال مرا در قلبش، این چنین پرورانده است.

امروز می خواهم از آن گوهر ناب، تشکر کنم، پس می نویسم: ای مادر عزیزتر از جانم، ای تو که در دریای نگاهت، موج عشق در جریان است



فاطمه اسمعیلی

## پدر بزرگ و مادر بزرگ

- پدر بزرگ خوبه
- وقتی که پیشم باشه
- مادر بزرگ نازم
- هرچی غذا می پزه
- وقتی با اونها باشم
- دنیا برام قشنگه
- همیشه مهربونه
- برام کتاب می خونه
- خیلی برام عزیزه
- خوشمزه و لذیذه
- غصه و غم ندارم
- هیچ چیزی کم ندارم



منتظر شدند تا او نزدیک شود. روی تور پاشید و در گوشه ای پنهان شد. چندی نگذشت که همه پرندگان با هم روی تور نشستند و مشغول دانه خوردن شدند.

شکارچی که خیلی خوشحال شده بود سریعاً تور را جمع کرد و تمام کبوترها داخل تور گیر افتادند و پیدا شد و دوباره تورش را روی زمین پهن کرد و مقداری دانه هم در یک گروه هماهنگ پاشید. تمام کبوترها با سرهای کوچکشان حرف او را تایید کردند و همه با هم پیمان بستند و پالهایشان را یکی یکی روی هم گذاشته و یک صدا گفتند ما با هم دشمن را شکست می دهیم. فردای آن روز سروکله شکارچی پیدا شد و دوباره تورش را روی زمین پهن کرد و مقداری دانه هم در یک گروه هماهنگ پاشید. تمام کبوترها با سرهای کوچکشان حرف او را تایید کردند و همه پرندگان با هم روی تور نشستند و مشغول دانه خوردن شدند.

شکارچی که خیلی ترسیده بود کم کم دستهایش شل شد و طناب را رها کرد و به داخل دریاچه افتاد و کبوترها هم به وسط چنکل رفتند و تور آنها در چنکل به شاخه درختی گیر کرد. داخل آن درخت یک سنجاپ زندگی می کرد و سنجاپ که دید کبوترها داخل تور گیر افتاده اند دوستانش را صدا کرد و همه با هم طنابها را چویدند و کبوترها را از داخل تور نجات دادند. شکارچی هم دیگر هیچ وقت آن طرف ها پیدایش نشد.

## وضو

با نام خدا، می گیرم وضو  
دست و پاهایم، صورت و مویم  
گردی صورت، الان می شویم  
اکنون کار ما، شستن دستهاست  
اول، کدام دست؟ اول، دست راست  
از روی آرنج، تا سر انگشت  
می شویم با آب، یک مشت و دو مشت  
مثل دست راست، دست چپم را  
بالا به پایین، می شویم حالا  
می کشم یک بار، مسح سرم را  
بعد از مسح سر، مسح هر دو پاست  
اما به ترتیب، اول، پای راست  
جای مسح پا، انگشت تا مچ است  
پایین تا بالا، می کشم با دست  
وقت مسح پاست، می کشم حالا  
روی پای راست، دست راستم را  
اکنون می کشم، دست چپم را  
روی پای چپ، پایین به بالا  
آماده هستم، برای نماز  
با یاد خدا، می کنم آغاز



## اتحاد کبوتران

کارپررگی انجام دهد، مگر آن که در یک گروه هماهنگ پاشد. تمام کبوترها با سرهای کوچکشان حرف او را تایید کردند و همه با هم پیمان بستند و پالهایشان را یکی یکی روی هم گذاشته و یک صدا گفتند ما با هم دشمن را شکست می دهیم. فردای آن روز سروکله شکارچی پیدا شد و دوباره تورش را روی زمین پهن کرد و مقداری دانه هم در یک گروه هماهنگ پاشید. تمام کبوترها با سرهای کوچکشان حرف او را تایید کردند و همه پرندگان با هم روی تور نشستند و مشغول دانه خوردن شدند.

شکارچی که خیلی خوشحال شده بود سریعاً تور را جمع کرد و تمام کبوترها داخل تور گیر افتادند و پیدا شد و دوباره تورش را روی زمین پهن کرد و مقداری دانه هم در یک گروه هماهنگ پاشید. تمام کبوترها با سرهای کوچکشان حرف او را تایید کردند و همه پرندگان با هم روی تور نشستند و مشغول دانه خوردن شدند.

روزی روزگاری در یک چنکل بزرگ، تعدادی کبوتر زندگی می کردند. در آن نزدیکی یک شکارچی هم بود که هر روز به سراغ این پرندگان می رفت و تورش را روی زمین پهن می کرد و وقتی پرنده ای روی تور می نشست آن را شکار می کرد.

کبوترها از این موضوع خیلی ناراحت بودند، چون کم کم تعدادشان کم می شد و غم و غصه در جمع آنها نفوذ کرده بود. یک روز کبوتر پیر، همه کبوترها را جمع کرد تا با آنها صحبت کند و بعد همگی با هم تصمیم بگیرند که چه کاری باید انجام دهند تا از دست این شکارچی بچسبند راحت شوند.

هر کدام از کبوترها یک نظر می دادند و کبوترهای دیگر موافقتشان را اعلام می کردند. در بین آنها یک کبوتر دانا بود که در آخر جلسه به دوستانش گفت من فقط یک مطلب را می خواهم یادآوری کنم و آن هم این است که همه ما باید قبل از هر چیزی و هر کاری اتحاد داشته باشیم، چون هیچ کس به تنهایی نمی تواند



روز	اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
شنبه	۴:۳۳	۵:۴۹	۱۱:۴۰	۱۷:۴۱	۱۷:۴۸
یکشنبه	۴:۳۳	۵:۴۹	۱۱:۴۰	۱۷:۴۱	۱۷:۴۷
دوشنبه	۴:۳۴	۵:۵۰	۱۱:۴۰	۱۷:۴۱	۱۷:۴۶

امام حسین علیه السلام فرمودند:  
 اَلْبِئْسَ مِنْ نَخِيَةِ اللَّهِ نَجَاةٌ مِنَ النَّارِ  
 گریه از ترس خدا سبب نجات از آتش جهنم است.  
 (حیات امام حسین ج ۱ ص ۱۸۳)

و پناه ببرم به تو از شامت دشمنان و احتیاج بر بگمانم و مرکز بدون آمدگی.  
 صحیفه سجادیه

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: ابوالحسن مویدی  
 حروفچینی و صفحه آرایی: روزنامه میلاد لارستان  
 آدرس دفتر مرکزی: لار - شهر جدید - خیابان فرهنگ ۱۲ - بلوک اول  
 تلفن: ۵۲۲۳۳۴۲ - ۵۲۲۳۳۷۵ - ۵۲۲۳۳۸۱  
 کد پستی: ۷۲۶۶۵ - ۷۲۳۱۸  
 شماره شابا: ۹۹۶۱ - ۲۰۰۸ (زیر نظر هات تحریریه)  
 لینوگرافی و چاپ: چاپخانه کوثر لار  
 miladelairestan@gmail.com www.miladelairestan.ir

## مسوولان موجب دلسردی خیرین نشوند



به ظرفیت های داخلی و نه به دست بیگانگان رفع خواهد شد و این موضوع باید انقدر در جامعه تکرار شود تا به صورت یک گفتگمان رایج در بیاید.  
 امام جمعه لارستان، با برشمردن بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با رئیس جمهور ترکیه، تصریح کرد: اگر در مقابل مشکلات جهان اسلام، ایران و ترکیه به توافق دست پیدا کنند نفع آن به هر سه کشور ایران و ترکیه و سوریه و همچنین به جهان اسلام خواهد رسید.  
 این استاد حوزه و دانشگاه بیان کرد: رهبر معظم انقلاب، مسئله کردستان عراق را تهدیدی برای آینده منطقه برشمردند و به رئیس جمهور ترکیه گفتند که با توجه به موضع گیری های دو کشور، باید اقدامات لازم را انجام داد زیرا آمریکا مایل است که در مقابل ایران و ترکیه یک عامل ایستگاهی در اختیار داشته باشد و نمی توان به مواضع کشور آمریکا اعتماد کرد.  
 وی با بازخوانی این بخش از بیانات رهبر معظم انقلاب مبنی بر اینکه رژیم صهیونیستی به دنبال ایجاد یک اسرائیل جدید در منطقه است، گفت: لازمه مقابله با این طرح بیداری و هوشیاری جامعه اسلامی است.  
 حجت الاسلام والمسلمین موسوی، با گرامیداشت هفته نیروی انتظامی، افزود: بنا به گزارش فرمانده نیروی انتظامی لارستان،

به گزارش میلاد لارستان؛ حجت الاسلام والمسلمین مختار موسوی در آیین عبادی سیاسی نماز جمعه شهر لار با اشاره به فرموده مقام معظم رهبری در خصوص وظیفه مردم و مسوولان در مقابل عهدشکنی های آمریکا، اظهار داشت: مسوولان باید به رژیم آمریکا اثبات کنند که به مردم خود متکی هستند و مردم نیز باید اثبات نمایند که ملت ایران به برکت اسلام زیر بار زور نمی روند و مقابل قدرت ها کرنش نمی کنند.  
 وی افزود: احاد مردم و مسوولان بدانند که مشکلات تنها به دست خود مردم و با اتکا،

## کسب ۱۲ مدال در مسابقات جهانی توسط مخترعان ایرانی



بهترین های اختراعات سال ۲۰۱۷ و دریافت کننده تندیس اختراع سبز سال (The Green Technology) زاده (مدال طلا و برگزیده بهترین

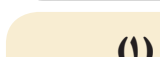
سبز سال، و جایزه ویژه کشور های هند، مالزی و تایوان شد.  
 اسامی مدال آوران ایران در این دوره از مسابقات به شرح زیر است:  
 - علی شانه سازان زاده، هانی حمیل پور، رضا الیاسی (مدال طلا و جایزه ویژه کشور تایوان)  
 - علی عجزش، رضا الیاسی (مدال طلا و کسب جایزه ویژه کشور مالزی)  
 - شهاب درویشی (طلا)  
 - احمد موذنی (مدال طلا و جایزه ویژه کشور هند)  
 - سپهر محسن پور (نقره)  
 - ناصر حمید، محمود حمید (نقره)  
 - شاهین تاج بخش (برنز)  
 - مرتضی طیبی، فرزانه طیبی (برنز)

## مرگ تدریجی کشاورزی در جنوب فارس



زمین ها روز به روز بیشتر می شود» این را دهیار کهنویه می گوید و اشاره می کند که حتی بازدید وزیر سابق نیرو از این منطقه نیز سبب نشده که مسئولان تلاشی برای حل این مشکل بکنند.  
**از بین رفتن معاش مردم روستاهای سیف آباد**  
 به گفته وی با انجام طرح زهکشی بخشی از زمین های بالادست کانال، سالم مانده اما به دلیل شکاف ایجاد شده امکان رفت و آمد و کشاورزی برای مردم میسر نیست در صورتی که تنها منبع درآمد مردم این منطقه کشاورزی است.  
 نامور، از خطرات دیگری سخن می گوید که اجرای ناقص طرح زهکشی سبب شده و آن ایجاد شکاف به سمت خط انتقال آب از سد سلمان فارسی و جاده شیراز - خنج است که ادامه این روند خطراتی را به همراه دارد.  
 حسن فیاض پور، مدیرکل بحران استانداری فارس فرسایش خاک را در این منطقه ناشی از بافت خاک و شرایط منطقه می داند و چنین توضیح می دهد: «روستاهای دهستان سیف آباد شهرستان خنج در دشتی واقع شدند که بافت خاک آن از عناصر ریزدانه تشکیل شده است. در قسمتی از این دشت ۲ سرشاخه رودخانه قرقاچ از این منطقه می گذرد که همه ساله

به گزارش میلاد لارستان به نقل از خبرگزاری تسنیم، سال ها پیش همزمان با انجام عملیات سد سلمان فارسی پروژه های با هدف انتقال آب از سد سلمان به دشت لاغر شهرستان خنج آغاز شد که با عنوان « طرح زهکشی دشت لاغر» شناخته می شود و برای آغاز آن هزینه های زیادی شد اما با گذشت سال ها این طرح بدون اینکه به سرانجام برسد، متوقف شده و همین امر زندگی مردم روستاهای سیف آباد از جمله کهنویه را مختل کرده است.  
 محمدرضا زمانی در پایان نامه اش با عنوان « ژئومورفولوژی دشت سیف آباد با تاکید بر هیدرومورفولوژی» به بررسی این طرح پرداخته است، وی در گفت و گو با تسنیم می گوید: این طرح با این هدف بوده که از سرریز آب سد سلمان فارسی و ایجاد یک بند انحرافی و زهکشی در دشت لاغر، این منطقه هم از آب سد بهره مند شود.  
**آبی که به دشت لاغر نرسید**  
 به گفته وی، خاک این منطقه شور است و انجام طرح زهکشی می توانست شوری آب را گرفته و زمین برای کشاورزی و ایجاد فضای سبز آماده کند اما توقف طرح با وجود هزینه های سنگین، سبب شده که این منطقه خشک و لم بریز باقی بماند.  
 ابودر نامور، دهیار روستای کهنویه در گفت و گو با تسنیم از تخریب زمین های زراعی این منطقه به دلیل ناقص اجرا شدن طرح زهکشی سخن می گوید و از آنجا که بافت خاک در این منطقه ریزدانه است، عدم اجرای طرح، فرسایش خاک را در این منطقه به دنبال داشته است.  
 به گفته وی هدف از اجرای این طرح انتقال آب از سد سلمان فارسی به دشت لاغر خنج بوده اما ۱۰ - ۱۲ سال گذشته است و نه تنها آبی از سد منتقل نشده بلکه به دلیل بافت خاک و بارندگی هایی که گاه به گاه انجام می شود، زمین تخریب و دچار فرسایش شده است.  
 «اجرای سیل بند پیشنهادی بوده که با توقف طرح از سوی مسئولان اعلام شد تا از تخریب بیشتر زمین جلوگیری شود اما تاکنون برای احداث سیل بند نیز اقدامی نشده و تخریب



عکس: آرش بنی زمانی

## نقش پیشگیری اجتماعی در کاهش قاچاق کالا و ارز (۱)

ارزکاب جرم است. پیشگیری اجتماعی دیدگاه برخی از اندیشمندان علوم اجتماعی مجموعه اقداماتی است که فقط در ارتباط با فرد قرار می گیرد. برخی دیگر نیز هم فرد و هم عموم جامعه را مؤثر می دانند؛ به عبارتی پیشگیری اجتماعی یعنی مداخله در محیط اجتماعی عمومی همچون: محیط های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی که نسبت به همه مشترک است و تأثیرگذاری بر محیط اجتماعی شخصی که خاص خود فرد است؛ با تأکید بر این که کلیه این محیط ها در فرآیند جامعه پذیری یک فرد نقش داشته و دارای کارکرد اجتماعی هستند. پیشگیری اجتماعی از طریق کاهش انگیزه مجرمانه در پی جلوگیری از وقوع جرم می باشد که ممکن است ناشی از محیط اجتماعی، نظام سیاسی، وضعیت اقتصادی و معیشتی یک منطقه خاص باشد و باعث شود که تعداد کثیری از افراد آن منطقه به سوی ارتکاب یک جرم خاص تمایل پیدا کنند.  
 ب- توسعه اخلاق حرفه ای رفتارآدمی متاثر نیازهای اوست. نیاز به ارزشمند شدن و شکوفایی از جمله نیازهای اساسی هر فرد در جامعه است که به مصادیق ارزش های موجود در یک جامعه و نحوه ارزش گذاری برای انسان ها بستگی دارد. در جامعه ای که ملاک ارزشمندی افراد میزان ثروت و دارایی آنها باشد، هر کسی ممکن است برای کسب موقعیت اجتماعی خویش دست به هر کاری - حتی غیرقانونی و بر خلاف قواعد و ضوابط اجتماعی - بزند و بدین ترتیب زمینه بزهکاری و ناهنجاری های اجتماعی در جامعه ایجاد می شود.  
 در مقابل، توجه بیشتر به موازین اخلاقی و انسانی می تواند جامعه را به سوی پویایی و پیشرفت سوق دهد (فراهانی، ۱۳۸۴) آموزش برنامه های اخلاق حرفه ای می تواند به عنوان یکی از اهداف و برنامه های پیشگیری اجتماعی مطرح باشد هدف از توسعه اخلاق حرفه ای، پیشگیری فرد مدار و یا جلوگیری فردی از وقوع جرم در حوزه قاچاق کالا می باشد.  
 الف- ارتقای سطح فرهنگ جامعه در راستای مصرف کالاهای داخلی و اجتناب از تجمل گرایی فرهنگ و عرف حاکم بر جامعه برای پیشگیری مناسب و با برگشت پذیری کمتر از مهم ترین راه کارهای کاربردی در مقابله با این پدیده شوم است. پیشگیری اجتماعی یکی از گونه های پیشگیری کنشی یا غیر کیفری است که با ایجاد اصلاحات و تغییرات در فرد و جامعه، به دنبال جلوگیری از

ارزکاب جرم است. پیشگیری اجتماعی دیدگاه برخی از اندیشمندان علوم اجتماعی مجموعه اقداماتی است که فقط در ارتباط با فرد قرار می گیرد. برخی دیگر نیز هم فرد و هم عموم جامعه را مؤثر می دانند؛ به عبارتی پیشگیری اجتماعی یعنی مداخله در محیط اجتماعی عمومی همچون: محیط های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی که نسبت به همه مشترک است و تأثیرگذاری بر محیط اجتماعی شخصی که خاص خود فرد است؛ با تأکید بر این که کلیه این محیط ها در فرآیند جامعه پذیری یک فرد نقش داشته و دارای کارکرد اجتماعی هستند. پیشگیری اجتماعی از طریق کاهش انگیزه مجرمانه در پی جلوگیری از وقوع جرم می باشد که ممکن است ناشی از محیط اجتماعی، نظام سیاسی، وضعیت اقتصادی و معیشتی یک منطقه خاص باشد و باعث شود که تعداد کثیری از افراد آن منطقه به سوی ارتکاب یک جرم خاص تمایل پیدا کنند.  
 ب- توسعه اخلاق حرفه ای رفتارآدمی متاثر نیازهای اوست. نیاز به ارزشمند شدن و شکوفایی از جمله نیازهای اساسی هر فرد در جامعه است که به مصادیق ارزش های موجود در یک جامعه و نحوه ارزش گذاری برای انسان ها بستگی دارد. در جامعه ای که ملاک ارزشمندی افراد میزان ثروت و دارایی آنها باشد، هر کسی ممکن است برای کسب موقعیت اجتماعی خویش دست به هر کاری - حتی غیرقانونی و بر خلاف قواعد و ضوابط اجتماعی - بزند و بدین ترتیب زمینه بزهکاری و ناهنجاری های اجتماعی در جامعه ایجاد می شود.  
 در مقابل، توجه بیشتر به موازین اخلاقی و انسانی می تواند جامعه را به سوی پویایی و پیشرفت سوق دهد (فراهانی، ۱۳۸۴) آموزش برنامه های اخلاق حرفه ای می تواند به عنوان یکی از اهداف و برنامه های پیشگیری اجتماعی مطرح باشد هدف از توسعه اخلاق حرفه ای، پیشگیری فرد مدار و یا جلوگیری فردی از وقوع جرم در حوزه قاچاق کالا می باشد.  
 الف- ارتقای سطح فرهنگ جامعه در راستای مصرف کالاهای داخلی و اجتناب از تجمل گرایی فرهنگ و عرف حاکم بر جامعه برای پیشگیری مناسب و با برگشت پذیری کمتر از مهم ترین راه کارهای کاربردی در مقابله با این پدیده شوم است. پیشگیری اجتماعی یکی از گونه های پیشگیری کنشی یا غیر کیفری است که با ایجاد اصلاحات و تغییرات در فرد و جامعه، به دنبال جلوگیری از

## حوادث و کشفیات

### به مقصد نرسیدن لپ تاپ و لباس های قاچاق



قاچاق را شناسایی و توقیف کردند.  
 وی افزود: در بازرسی از این خودروها ۶۳ دستگاه لپ تاپ، ۲۰ عدد باتری لپ تاپ، ۶۳ عدد هارد لپ تاپ و ۴ هزار و ۵۸۰ توپ لباس قاچاق و بدون مدارک قانونی کشف شد.  
 فرمانده نیروی انتظامی شهرستان لارستان، ارزش ریالی این محموله قاچاق کشف شده را ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون ریال عنوان کرد.

به گزارش میلاد لارستان به نقل از باشگاه خبرنگاران جوان؛ سرهنگ حسین دیندارلو فرمانده نیروی انتظامی لارستان، گفت: در ادامه طرح تشدید مبارزه با قاچاق کالا و ارز و به منظور جلوگیری از هدر رفت سرمایه های ملی، مأموران انتظامی این شهرستان هنگام کنترل محور بندرعباس به لارستان، دو دستگاه سواری ۲۰۶ و اتوبوس حامل کالای